

۱	مقدمه:
۱	۱. بیان مسأله
۶	۲. اهمیت موضوع تحقیق
۸	۳. انگیزه انتخاب موضوع
۹	۴. سوالات تحقیق
۹	۵. فرضیات تحقیق
۹	۶. روش تحقیق
۹	۷. پیشینه تحقیق و تنگناها
۱۰	۸. ساختار و ساماندهی تحقیق
۱۱	بخش نخست: معنا شناسی و درآمدی عمومی بر سیاست جنایی در حوزه خانواده
۱۲	فصل نخست) معنانشناسی مفاهیم خانواده، جرم و سیاست جنایی
۱۲	مبحث نخست) تعریف خانواده
۱۲	گفتار نخست) از منظر جامعه شناسی
۱۴	گفتار دوم) از منظر حقوق
۱۵	گفتار سوم) از منظر اسلام
۱۶	مبحث دوم) تعریف جرم
۱۶	گفتار نخست) جرم از منظر جامعه شناسی
۱۷	گفتار دوم) جرم از منظر جرم شناسی
۱۸	گفتار سوم) جرم از منظر حقوق
۱۹	گفتار چهارم) جرم از منظر فقها
۲۰	مبحث سوم) بررسی مفهوم سیاست جنایی
۲۰	گفتار نخست) تعریف سیاست جنایی
۲۴	گفتار دوم) تحولات مفهوم سیاست جنایی
۲۴	الف) مفهوم مضیق
۲۵	ب) مفهوم موسع
۲۵	گفتار سوم) انواع سیاست جنایی
۲۷	گفتار چهارم) نقش و رسالت سیاست جنایی
۲۸	گفتار پنجم) اساس سیاست جنایی
۲۹	فصل دوم) جایگاه خانواده در سیاست جنایی ایران
۲۹	مبحث نخست) اصول راهبردی قانون اساسی
۳۱	مبحث دوم) شیوه کارکرد نهاد خانواده و جرم

گفتار نخست) ارتکاب جرایم برون خانوادگی و عوامل زمینه ساز.....	۳۱
الف) اختلال تربیتی فرزندان.....	۳۶
ب) بزهکاری اعضاء.....	۴۴
گفتار دوم) ارتکاب جرایم درون خانوادگی.....	۴۶
الف) مفهوم بزه دیدگی.....	۴۶
ب) بزه کار و بزه دیده در خانواده.....	۴۷
ج) ضرورت حمایت ویژه از زوجه و فرزندان در پرتو سیاست جنایی افتراقی.....	۴۹
مبحث سوم) سیاست جنایی و عامل خانواده در تعیین مجازات.....	۵۲
گفتار نخست) خانواده و میزان مجازات.....	۵۲
الف) خانواده و جواز ارتکاب جرم.....	۵۳
ب) خانواده و علل موجهه جرم.....	۵۳
ج) خانواده و معافیت از مجازات.....	۵۴
د) خانواده و تخفیف مجازات.....	۵۵
ه) خانواده و تشدید مجازات.....	۵۶
گفتار دوم) خانواده و ویژگی های مجازات.....	۵۷
الف) بازدارندگی بیشینه.....	۵۷
ب) اختلال کمینه.....	۵۸
ج) اعطای ماهیت دوگانه به جرایم خانوادگی.....	۵۸
مبحث چهارم) تهیه و تدوین سیاست جنایی در حوزه خانواده.....	۵۹
گفتار نخست) ضرورت بهره گیری از یافته ها و داده های دانش جرم شناسی.....	۶۰
گفتار دوم) ضرورت استفاده دقیق و مناسب از ابزارهای نوین سیاست جنایی.....	۶۲
الف) جرم انگاری.....	۶۲
ب) جرم زدایی.....	۶۳
گفتار سوم) بایسته های جرم انگاری و جرم زدایی در حوزه خانواده.....	۶۴
الف) مداخله کمینه در حوزه حریم خصوصی.....	۶۴
ب) ارزش کیفری.....	۶۷
ج) امکان وجود ضمانت اجرای کیفری.....	۶۷
نتیجه گیری بخش نخست:.....	۶۹
<b>بخش دوم: جهت گیری سیاست جنایی ایران در عناوین مجرمانه علیه کیان خانواده.....</b>	۷۱
فصل نخست) حمایت از سلامت تشکیل و ثبات خانواده.....	۷۲
مبحث نخست) جرم انگاری عدم ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع.....	۷۲

۷۳	گفتار نخست)سابقه تقنینی
۷۵	گفتار دوم)تعریف وارکان جرم عدم ثبت نکاح
۷۵	الف) تعریف ثبت
۷۶	ب)ارکان جرم
۷۶	۱) رکن مادی
۷۷	۲) رکن معنوی
۷۸	گفتار سوم)مبنای جرم انگاری
۷۹	گفتار چهارم)نقد و بررسی
۷۹	الف)ضرورت الزام به ثبت نکاح موقت
۷۹	ب)ضرورت اصلاح ماده ۶۴۵ ق.م.ا از نظر مجازات
۸۰	ج) ضرورت جرم انگاری عمل دخالت کنندگان
۸۰	د)ضرورت اصلاح نگارشی ماده ۶۴۵ ق.م.ا
۸۱	مبحث دوم)جرم انگاری ثبت ازدواج بدون اخذ گواهینامه تندرستی و صدور گواهی خلاف واقع
۸۱	گفتار نخست)سابقه تقنینی
۸۴	گفتار دوم)ارکان جرم
۸۴	الف) رکن مادی
۸۵	ب) رکن معنوی
۸۷	گفتار سوم)مبنای جرم انگاری
۸۷	گفتار چهارم)نقد و بررسی
۸۸	ب)ضرورت اصلاح نگارشی
۸۹	ج)ضرورت رفع تشدد در خصوص تلفیق مجازات واقدام تأمینی
۹۰	مبحث سوم)جرم انگاری طلاق بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش
۹۰	گفتار نخست) سابقه تقنینی
۹۲	گفتار دوم)مبنای جرم انگاری
۹۲	مبحث چهارم)جرم انگاری انکار زوجیت یا ادعای زوجیت
۹۲	گفتار نخست)سابقه تقنینی
۹۳	گفتار دوم)ارکان جرم
۹۳	الف) رکن مادی
۹۵	ب) رکن معنوی
۹۷	گفتار سوم)مبنای جرم انگاری
۹۸	گفتار چهارم)نقد و بررسی

۹۸	الف) ضرورت رفع ابهام
۹۸	ب) ضرورت جرم انگاری انکار زوجیت از سوی زوجه و ادعای زوجیت از سوی زوج
۹۹	ج) متروک ماندن قانون
۱۰۰	مبحث پنجم) جرم انگاری فریب در ازدواج
۱۰۰	گفتار نخست) سابقه تقنینی
۱۰۰	گفتار دوم) ارکان جرم
۱۰۰	الف) رکن مادی
۱۰۵	۲) رکن معنوی
۱۰۶	گفتار سوم) مبنای جرم انگاری
۱۰۶	گفتار چهارم) نقد و بررسی
۱۰۸	فصل دوم) حمایت از قداست و استواری روابط در خانواده
۱۰۸	مبحث نخست) جرم انگاری زناي فرد متأهل
۱۰۸	گفتار نخست) سابقه تقنینی
۱۱۲	گفتار دوم) مبنای جرم انگاری
۱۱۶	گفتار سوم) نقد و بررسی
۱۱۶	مبحث دوم) جرم انگاری زنا با محارم
۱۱۶	گفتار نخست) سابقه تقنینی
۱۱۷	گفتار دوم) مبنای جرم انگاری
۱۲۰	گفتار سوم) نقد و بررسی
۱۲۰	مبحث سوم) جرم انگاری تزویج زن معتده یا شوهردار برای خود یا دیگری
۱۲۰	گفتار نخست) سابقه تقنینی
۱۲۲	گفتار دوم) ارکان جرم
۱۲۲	الف) رکن مادی
۱۲۳	ب) رکن معنوی
۱۲۴	گفتار سوم) مبنای جرم انگاری
۱۲۶	گفتار چهارم) نقد و بررسی
۱۲۶	الف) اطلاق لفظ عقد و امکان شمول ماده به عقد موقت
۱۲۶	ب) امکان مجازات عاقد صرف نظر از عدم وقوعه
۱۲۷	نتیجه گیری بخش دوم:
۱۲۹	بخش سوم: جهت گیری سیاست جنایی ایران در جرایم علیه زوجه و فرزندان
۱۳۱	فصل نخست) جرایم علیه زوجه

۱۳۱	مبحث نخست) جرم انگاری ترک انفاق .....
۱۳۱	گفتار نخست) سابقه تقنینی .....
۱۳۳	گفتار دوم) مبنای جرم انگاری .....
۱۳۳	گفتار سوم) تعریف وارکان جرم .....
۱۳۳	الف) تعریف انفاق .....
۱۳۳	ب) مصادیق نفقه .....
۱۳۵	ج) ارکان جرم ترک انفاق .....
۱۳۵	۱) رکن مادی .....
۱۳۶	۲) رکن معنوی .....
۱۳۷	گفتار چهارم) نقد و بررسی .....
۱۳۷	الف) ضرورت تشدید مجازات مرتکب .....
۱۳۸	ب) ترک انفاق در ازدواج موقت بر فرض وجوب .....
۱۳۸	ج) ضرورت تفکیک جرم ترک انفاق زوجه از فرزند و شمول مقررات تعدد مادی .....
۱۳۹	مبحث دوم) ازدواج مجدد بدون اذن دادگاه .....
۱۴۰	گفتار نخست) سابقه تقنینی .....
۱۴۳	گفتار دوم) مبنای جرم انگاری .....
۱۴۴	گفتار سوم) نقد و بررسی .....
۱۴۴	الف) عدم تعیین تکلیف در خصوص همسر سوم و چهارم .....
۱۴۵	ب) صحت عقد بر فرض عدم کسب اجازه ازدواج مجدد .....
۱۴۶	ج) ضرورت منع ازدواج مرد در صورت عدم توانایی در ایجاد عدالت .....
۱۴۷	د) امکان مجازات مرد به علت عدم ثبت نکاح مجدد .....
۱۴۸	ه) امکان در خواست الزام به ثبت از سوی زوجه دوم .....
۱۴۹	مبحث سوم) خشونت خانگی .....
۱۴۹	گفتار نخست) سابقه تقنینی .....
۱۵۰	گفتار دوم) تعریف و انواع خشونت .....
۱۵۰	الف) خشونت جسمی .....
۱۵۱	ب) خشونت جنسی .....
۱۵۳	ج) خشونت روانی .....
۱۵۳	گفتار سوم) نقد و بررسی .....
۱۵۳	الف) ضرورت حمایت کیفری مناسب در خصوص قتل زوجه .....
۱۵۵	ب) عدول منفی از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری در خصوص ضرب و جرح زوجه .....

ج) ضرورت توجه به ارتکاب مقاربت جنسی به عنف و یا سایر اعمال جنسی دون آن، از سوی زوج.....	۱۵۶
د) کذف، توهین و فحاشی از سوی زوج.....	۱۵۷
مبحث چهارم) قتل در فراش زوجه.....	۱۵۹
گفتار نخست) سابقه تقنینی.....	۱۵۹
گفتار دوم) مبنای جرم انگاری.....	۱۶۳
الف) تهییج و تحریک روحی.....	۱۶۳
ب) دفاع مشروع از عرض و ناموس.....	۱۶۳
ج) اجرای حدّ الهی.....	۱۶۴
د) مهذور الدم بودن زانی و زانیه.....	۱۶۶
گفتار سوم) شروط و ارکان لازم جهت تحقق فرض.....	۱۶۶
الف) وجود علقه ی زوجیت.....	۱۶۷
ب) مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط زوج.....	۱۶۹
ج) ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا.....	۱۷۰
د) علم به تمکین.....	۱۷۰
گفتار چهارم) نقد و بررسی.....	۱۷۱
فصل دوم) جرایم علیه فرزندان.....	۱۷۴
مبحث نخست) فرزند آزاری.....	۱۷۴
گفتار نخست) سابقه تقنینی.....	۱۷۴
گفتار دوم) تعریف و ارکان جرم.....	۱۷۷
الف) تعریف فرزند آزاری.....	۱۷۷
ب) ارکان جرم.....	۱۸۰
۱) رکن مادی.....	۱۸۰
۲) رکن معنوی.....	۱۸۱
گفتار سوم) نقد و بررسی.....	۱۸۱
الف) تحدید قلمرو قانون حمایت از کودکان و نوجوانان.....	۱۸۱
ب) ضرورت جرم انگاری حمایتی موسع قانونگذار، در خصوص رفتار های آسیب زا علیه فرزندان.....	۱۸۲
ج) ضرورت تشدید مجازات والدین.....	۱۸۲
مبحث دوم) سقط جنین.....	۱۸۳
گفتار نخست) سابقه تقنینی.....	۱۸۳
گفتار دوم) مبنای جرم انگاری.....	۱۸۷
گفتار سوم) ارکان جرم.....	۱۸۹

الف) رکن مادی .....	۱۸۹
ب) رکن معنوی .....	۱۸۹
گفتار چهارم) نقد و بررسی .....	۱۸۹
الف) ضرورت بازبینی در مجازات مادر .....	۱۸۹
ب) عدم امکان مجازات مادر به عنوان معاون .....	۱۹۰
مبحث سوم) قتل فرزند .....	۱۹۱
گفتار اول) سابقه تقنینی .....	۱۹۱
گفتار دوم) مبنای جرم انگاری .....	۱۹۲
گفتار سوم) نقد و بررسی .....	۱۹۳
الف) توجیه ناپذیری معافیت پدر در قتل فرزند .....	۱۹۳
ب) توجیه ناپذیری اختصاص معافیت از قصاص به پدر وجد پدری .....	۱۹۳
ج) ناهمگونی سیاست قانونگذار و مقابله با معیارهای بین المللی .....	۱۹۴
مبحث چهارم) جرایم مرتبط با حضانت فرزندان .....	۱۹۴
گفتار نخست) خودداری از انجام تکالیف مربوط به حضانت؛ ممانعت از اجرای حکم حضانت و جلوگیری از ملاقات اشخاص ذیحق با طفل .....	۱۹۷
الف) سابقه تقنینی .....	۱۹۵
ب) تعریف حضانت و ارکان جرم .....	۱۹۶
۱) ماهیت حضانت و وظایف والدین .....	۱۹۶
۲) ارکان جرم .....	۱۹۹
۲-۱) رکن مادی .....	۱۹۹
۲-۲) رکن معنوی .....	۲۰۰
گفتار دوم) عدم تسلیم طفل به اشخاص ذیحق .....	۲۰۱
الف) سابقه تقنینی .....	۲۰۱
ب) ارکان جرم .....	۲۰۲
۱) رکن مادی .....	۲۰۲
۲) رکن معنوی .....	۲۰۳
مبحث پنجم) جرایم مرتبط با وظایف سرپرستی والدین .....	۲۰۳
گفتار نخست) عدم اعلام واقعه ولادت .....	۲۰۳
گفتار دوم) ترک انفاق فرزند .....	۲۰۷
گفتار سوم) ممانعت از تحصیل فرزند .....	۲۰۸
گفتار چهارم) رها کردن فرزند .....	۲۰۹

۲۱۲.....	نتیجه گیری بخش سوم :
۲۱۴.....	جمع بندی و پیشنهادهای:
۲۱۸.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۲۲۶.....	منابع انگلیسی .....
۲۲۹.....	چکیده انگلیسی .....



## مقدمه:

خانواده، مهمترین منبع تأمین امنیت و سلامت برای افراد جامعه و در عین حال عمده‌ترین عرصه ایجاد انواع مشکلات اجتماعی است، که نقش اساسی در ادامه حیات جامعه داشته و همواره به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی شناخته شده است. کانون خانواده که به لحاظ ساختار، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال هسته اصلی جامعه و پایه و اساس هر اجتماع بزرگ است، به لحاظ کنش و کارکرد، برجسته‌ترین نقش‌ها یعنی رفع نیازمندی‌های حیاتی انسان و بقای جامعه انسانی را ایفاء می‌کند. این نهاد مقدس همواره مورد توجه دانشمندان علوم مختلف قرار داشته و در آموزه‌های دینی نیز جایگاه و منزلت رفیعی برخوردار است. تلاش در راستای تثبیت، استواری و تعالی پایه‌های این نهاد مقدس و بسترسازی برای کارکرد شایسته ارکان آن و اقدام در جهت جلوگیری از فروپاشی یا به هم خوردن تعادل آن، از مهم‌ترین دغدغه‌های متولیان هر جامعه محسوب می‌شود. این نهاد اجتماعی همانند سایر بخش‌های جامعه، پیوسته با تهدیدهایی مواجه بوده و هست. از این رو قرار گرفتن آن در سایه حمایت‌های شایسته، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با این وجود، نوع حمایت و واکنش‌های قانونی و چگونگی اجرا و اعمال آن، از مسائل ظریف و حساسی است که باید در انتخاب آن دقت خاصی مبذول گردد و از رهگذر اتخاذ سیاست جنایی مناسب با هدف جلوگیری از ارتکاب رفتارهای تهدید کننده دنبال شود.

## ۱. بیان مسأله

ظهور و پیدایش اشکال نوین بزهکاری در دهه‌های اخیر، تنوع و دگرگونی در اعمال تدابیر، واکنش‌ها و سیاست‌های کلان جنایی را در پی داشته است. متأثر از این واقعیت انکارناپذیر است که، نظام عدالت کیفری به تنهایی قادر به کنترل و مهار موج بزهکاری نیست.

سیاست جنایی، در چهارچوب یک روش کلی و هدفمند از عوامل وزیر ساختارهای گوناگونی، تأثیر می‌پذیرد و به شدت تحت سیطره اندیشه‌ها، مکاتب و جریان‌های فرهنگی و سیاسی حاکم بر هر جامعه قرار دارد و این آموخته‌های کلی هستند، که در قالب سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی به تبیین راهبردهای اصولی، به منظور مهار پدیده بزهکاری می‌پردازند. افزون بر آن، یافته‌ها

دستاوردهای علوم جنایی نظیر جرم شناسی، جامعه شناسی و کیفرشناسی، نقش مهمی بر روند شکل گیری و مسیریابی سیاست جنایی دولت ها ایفا می کنند.

سیاست جنایی دولتها به معنای مجموعه ی مکانیسم ها و روش هایی است، که هیأت اجتماع با استفاده از آنها واکنش های علیه واقعیت مجرمانه را سازمان می بخشد. سیاست جنایی دولتی بر سه قسم است: سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی.<sup>۲</sup> سیاست جنایی تقنینی، به منزله نخستین لایه سیاست جنایی، عبارت است از تدبیر و چاره اندیشی قانونگذار، در مورد جرم و پاسخ به آن، که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور، حالت های مختلفی به خود می گیرد. کریستین لازرژ، سیاست جنایی تقنینی را، سلیقه قانونگذاران مختلف و انتخاب های آنان در انواع جرایم و مجازاتها و به طور کلی، نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرایم می داند، که تبلور آن در قوانین مختلف هر جامعه از جمله قوانین کیفری شکلی و ماهوی منعکس می شود.

در خصوص خانواده نیز، باید گفت، خانواده در لغت به معنای دودمان، تبار، و اهل خانه<sup>۳</sup> بوده و در اصطلاح علم جامعه شناسی، کلیت تام به هم بافته و تافته ای است که در آن اجزاء، تابعی از یکدیگرند و به عنوان هسته اساسی زندگی اجتماعی، تلقی می شود. به علاوه خانواده، تولیدمثل و تأمین وحدت و همبستگی اجتماعی را بر عهده داشته و به بقاء نظامات اجتماعی و تقارن عمومی مدد کرده و هدف اجتماعی کردن فرد را، تعقیب می نماید؛ به طوری که هیچ نهاد، سازمان و گروهی دیگر نمی تواند جایگزین آن گردد.<sup>۴</sup>

در قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین، هیچ گونه تعریفی در خصوص خانواده به چشم نمی خورد. اما بدون شک باید خانواده را از مظاهر بارز حریم خصوصی اشخاص دانست.

---

<sup>۱</sup> لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، چ ۱، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۲

<sup>۲</sup> آرک به: عظیم زاده، شادی، جلوه های پویایی سیاست جنایی در حمایت از زنان بزهدیده، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۲ -

۱۳۸۴، ص ۵۳، ۲۰۵

<sup>۳</sup> معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چ ۱۵، ج ۱، ص ۱۳۹۴

<sup>۴</sup> آراسته خو، محمد، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی، تهران، نشر گسترده، چ ۲، ۱۳۷۰، ص ۲۳۶

اعضای خانواده حق دارند که در محل زندگی مشترک خود آن گونه که می خواهند زندگی کنند . در این راستا بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی مقرر می دارد: "هر کس حق دارد که حرمت زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات وی حفظ شود. در محیط خانواده، به دلیل وضعیت خاص آن، بی هیچ شکمی در وهله اول، قواعد اخلاقی حاکم است و این قواعد به نحو مؤثری، بر روابط اعضای خانواده حاکمیت دارد و شاید به همین دلیل است که قواعد کیفری حوزه خانواده، در مقایسه با دیگر حوزه ها بسیار اندک است. آن چه در حریم خصوصی به عنوان یک اصل کلی کاربرد دارد، منع دخالت دولت در آن است. و دخالت دولت در این حوزه یک امر استثنایی است، که اولاً "باید به موجب قانون باشد، ثانیاً" قانون نیز محدوده ی این دخالت را موسع ننموده و به حد ضرورت اکتفا نموده است. از این رو قواعد کیفری نمی تواند قلمرو خود را گسترش دهد و وارد مرزهای خصوصی افراد شود. با این که خانواده محیطی خصوصی است و اصولاً می بایست بر اساس ابزارهای غیر کیفری مورد حمایت قرار گیرد، در مواردی دولت ناگزیر از مداخله است؛ گرچه این مداخله همیشه، مناسب و به جا نبوده است، به عنوان مثال قرار دادن مجازات حبس برای ترک انفاق به استناد ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی صرفاً موجب بلا تکلیفی زوجه می گردد و اثربخش نمی باشد و به نظر می رسد وضع مجازات در این مورد باید علاوه بر استطاعت منفق به نیاز منفق الیه نیز مقید گردد تا مورد سوء استفاده از سوی زنان بی نیاز یا شاغل قرار نگیرد و مجازات محدود به مواردی گردد که منفعتی در خطر است. همچنین قانونگذار در مواردی اصلاً اقدام به جرم انگاری ننموده است مانند عدم تعیین مجازات برای امتناع والدین از حضانت طفل یا عدم درج مجازات برای زن در ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی؛ در حالی که اراده زنان امروزه به اندازه مردان در ثبت نکاح دخیل است؛ و یا عدم جرم انگاری ازدواج با دختر ۹ تا ۱۳ ساله به موجب ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی و اصلاحیه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و یا عدم مجازات خیانت ولی قهری در اموال صغیر، به جهت خدشه در عنصر سپردن، در حالی که در این موارد عملاً عنصر سپردن وجود ندارد.

سیاست جنایی تقنینی، با ابزار جرم انگاری و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین، برجسته ترین شکل برخورد با جرم و مجرم بوده و مهم ترین نقش را در راستای مقابله با جرایم ایفا می کند. از دیگر سو نخستین کاربردهای سیاست جنایی نیز در معنایی معادل حقوق کیفری یا سیستم کیفری که مبتنی بر جرم-مجازات و قانون می باشد، بوده است که البته باید آن را مفهوم مضیق سیاست جنایی و یا سیاست کیفری<sup>۱</sup> نامید.

نوع مدل سیاست جنایی ایران که بر اساس اصل چهارم قانون اساسی<sup>۲</sup> جمهوری اسلامی ایران بر مطابقت کلیه قوانین جزایی با موازین اسلامی تأکید می کند، از یک سو اهمیت جرم انگاری در حوزه خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و حریم خصوصی افراد، از دیگر سو به پیچیدگی های میزان مداخله حقوق کیفری در این حوزه افزوده است.

اتخاذ سیاست جنایی تقنینی نامناسب در حوزه خانواده، بیش از هر حوزه دیگری مخرب و آسیب رساننده بوده و تأثیرات نامطلوب مداخله کیفری، نه تنها اهداف سیاستگذاران نظام عدالت کیفری را محقق نمی سازد، بلکه موجبات تشدید بروز اختلافات را فراهم ساخته و کانون امن خانواده را، به بسترنزاع و اختلاف مبدل می سازد.

از این رو رساله حاضر بنا دارد، ضمن بررسی جرایم و مجازاتها در خانواده رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران، نسبت به خانواده راترسیم نماید و با توجه به نقش مهم و اساسی نخستین لایه از سیاست جنایی در اقدامات ثانوی نسبت به جرم، مذاقه سیاست جنایی ایران در قبال جرایم علیه خانواده را به سیاست جنایی تقنینی اختصاص داده و اصلاح سازوکارهای قانونی نسبت به این نهاد مقدس را به عنوان اولویت نخست معرفی نماید.

بررسی جرایم علیه خانواده در رساله فوق تحت سه بخش که بخش نخست به مفاهیم و مبانی نظری و ترسیم جایگاه خانواده در سیاست جنایی ایران و بخش دوم و سوم به جرایم علیه کیان

---

<sup>۱</sup> PENAL POLICY

اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، ادلری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

خانواده و جرایم علیه اعضای خانواده اختصاص یافته صورت می پذیرد. در تقسیم بندی جرایم علیه خانواده، باید گفت بر دو قسم است؛ یا کیان خانواده را با تهدید مواجه می سازد و یا علیه اعضای خانواده به وقوع می پیوندد. دلیل تفکیک جرایم علیه خانواده از اعضای آن، این است که از یک سو، خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، دارای ارزشهایی در جامعه می باشد که تعرض به آنها موجب تزلزل قداست و بنیان خانواده می گردد. به همین دلیل ضروری است حکومت رفتارهایی که موجب تهدید این ارزشها می گردد را جرم انگاری نماید؛ که این جرم انگاری حاکی از ارزشهای حاکم بر این نهاد مقدس می باشد و از دیگر سو خانواده، عمده ترین منشأ بزه دیدگی زنان و کودکان می باشد<sup>۱</sup>، که ضرورت اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در راستای حمایت از ایشان در خانواده را آشکار می نماید. بدین شرح، جرایم علیه کیان خانواده به جرایمی گفته می شود که بقای خانواده یا قداست و حیثیت و شوون خانوادگی و یا استواری روابط خانوادگی را متزلزل می نماید و در نسب و توالد و تناسل آنها تأثیر منفی می گذارد.<sup>۲</sup> از همین رو جرایم علیه کیان خانواده نیز خود بر دو گونه است؛ یا سلامت تشکیل و ثبات خانواده را تهدید می نمایند و یا به قداست و استواری روابط در خانواده صدمه می زنند.

جرایم علیه اعضای خانواده، همان طور که اشاره شد، بر علیه هر یک از اعضاء، از سوی یکی دیگر از اعضای خانواده متصور است. به عنوان مثال خشونت و همسر آزاری از سوی هریک از زوجین نسبت به دیگری امکان پذیر است و همچنین همسر کشی؛ با این وجود این زنان هستند که به جهت شرایط جسمانی و ضعف قدرت در مقابل مرد که ریاست خانواده با اوست<sup>۳</sup>، غالباً بزه دیده این گونه جرایم می شوند.<sup>۴</sup> جرایم علیه کودکان، همچون کودک آزاری و فرزند کشی نیز غالباً از سوی والدین

---

<sup>۱</sup> درست به همین دلیل است که قوانینی که با عنوان حمایت از خانواده تصویب می شوند بیشتر ناظر به حمایت از زنان و کودکان می باشند.

<sup>۲</sup> کاتبی، مصطفی، سیاست کیفری قانونگذار ایران در جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵، ص ۱۹

<sup>۳</sup> ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی: در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

<sup>۴</sup> طفولیت و جنسیت مؤنث دو عامل زیست شناختی بزه دیدگی هستند که از آنها به بزه دیده پنهان یا بالقوه یاد می شود و بر استعداد فرد در قربانی شدن تأکید دارد.

و به خصوص پدر به جهت سوءاستفاده از حق ولایت ۱ اتفاق می افتد. به همین جهت بررسی جرایم علیه اعضای خانواده، در تحقیق پیش رو، به جرایم علیه زنان و کودکان در خانواده، اختصاص داده شده است.

خانواده از منظر برخی دارای یک شخصیت حقوقی است و شوهر به عنوان رئیس خانواده، نماینده تام خانواده محسوب می شود؛ از همین رو تجاوز به حقوق، باید تنها یک حق اقامه دعوی به وسیله نماینده خانواده پدید آورد، نه دعاوی که هریک از اعضای آن را منفردا اقامه نمایند. ۲ اما نظر به اینکه در بسیاری از جرایم علیه اعضای خانواده، مرتکب شوهر و مرد خانواده است، هرگز نمی توان خانواده را یک شخصیت حقوقی و نماینده تام الاختیار آن را مرد تلقی نمود. بدین ترتیب با توجه به شیوع وقوع جرایم در بستر خانواده و اهمیت سیاست جنایی به ویژه سیاست جنایی تقنینی در راستای سامان بخشی وقایع مجرمانه در حوزه خانواده، تحقیق پیش رو به این موضوع مهم اختصاص یافته است.

## ۲. اهمیت موضوع تحقیق

امروزه حقوق کیفری، همچون هسته اصلی، در سیاست جنایی حضوری بسیار محسوس دارد. به عبارت دیگر، جلوگیری از بزهکاری به واسطه تهدید بالقوه و بالفعل افراد به اجرای مجازات در پرتو وارد کردن برخی رفتارها به قلمرو قوانین کیفری، همچنان از جایگاه مهمی در سیاست جنایی کشورهای مختلف برخوردار است، اما دامنه به کارگیری حقوق کیفری در بسترهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف همواره دچار قبض و بسط شده است. براین اساس، می توان جرم انگاری را به عنوان مهم ترین سازوکار مداخله حقوق کیفری، فرایندی گزینشی نامید که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی یا ضرورت های دیگر، بر پایه مبانی

---

<sup>۱</sup> نک به: نقیبه، سید ابوالقاسم، سوءاستفاده از حق در حقوق خانواده از منظر فقه امامیه و حقوق، ندای صادق، پاییز وزمستان

۱۳۸۶، ش ۴۷

<sup>۲</sup> نظیفی، عباس، جرایم علیه خانواده، پایان نامه دکتری جزا، دانشکده علوم انسانی تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۳

نظری مورد قبول خود رفتاری را ممنوع یا الزام آور می کند و برای حمایت از آن ضمانت اجرای کیفری قرار می دهد.<sup>۱</sup>

یکی از حوزه هایی که امروزه در بسیاری از کشورها مورد توجه قانونگذاران کیفری قرار گرفته است، خانواده است. مفهوم خانواده به عنوان یک نهاد، ارتباط هماهنگ و نزدیکی با ارزش های مربوط به حرمت خانواده دارد. پیش فرض این مفهوم آن است که خانواده مکانی است امن، با محیطی طبیعی و ایده آل برای آرامش اعضا و تربیت فرزندان. اگرچه در خانواده اصل اولی، حاکمیت اخلاق بر روابط اعضاست، اما در برخی موارد راهکارهای غیر کیفری، نمی توانند ضامن سلامت و امنیت اعضا بوده و حداقلی از نظم را ایجاد نمایند. در اینجا است که ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده ضرورت می یابد؛ اما ضمانت اجرای کیفری در خانواده، می بایست به عنوان آخرین راه حل مد نظر قرار گرفته و ورود دولت در حوزه خانواده، به عنوان مصداق بارز حریم خصوصی، می بایست به صورت حداقلی باشد.

جرم انگاری و جرم زدایی و حتی پیش بینی کیفر در حوزه خانواده از یک سوبه جهت اهمیت این نهاد مقدس در سرنوشت جامعه و اعضای آن و روابط نزدیک بزهکار و بزه دیده با یکدیگر و از دیگر سو، به جهت امکان پیشگیری اولیه و ثانویه از وقوع جرایم علیه خانواده، از اهمیت بالایی برخوردار است. اتخاذ سیاست جنایی مناسب در این حوزه می تواند نه تنها مانع ارتکاب بزه گردد، بلکه با حمایت های قانونی مناسب، می توان بزه دیده را که به بدترین شکل ممکن از سوی نزدیکترین شخص خانواده خود آسیب دیده است، از صدمات و لطمات شدید روحی و روانی نجات داد. به عنوان مثال در جرایم جنسی درون خانوادگی از سوی پدر نسبت به طفل، بررسی ها حاکی از این است که صدمات روحی جبران ناپذیری به طفل وارد می شود؛ بدین جهت ضرورت و اهمیت اتخاذ سیاست جنایی تقنینی افتراقی در خصوص حمایت از زنان و کودکان آشکار گردیده و روشن است که موضوع تحقیق حاضر از جنبه های مختلف واجد اهمیت است.

---

<sup>۱</sup> محمودی جانکی، فیروز، اصول، مبانی و شیوه های جرم انگاری، رساله دوره دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۵

### ۳. انگیزه انتخاب موضوع

بررسی مواد ۶۴۲ الی ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی، تحت عنوان جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی حاکی از این است که حمایت کیفری شایسته از اعضای خانواده به عمل نیامده است و در خصوص جرایم علیه زنان و کودکان، به عنوان اشخاص آسیب پذیر در خانواده نیز، نه تنها از یک سیاست کیفری افتراقی ویژه پیروی نشده است؛ بلکه با عدول منفی از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری، از زنان در برابر تعرضات مجرمانه علیه تمامیت جسمانی‌شان، حمایت کیفری کم‌تری به عمل آمده است. در جرایمی نظیر قتل، قطع عضو و جرح در حقوق کیفری ایران بر اساس مواد ۲۰۹، ۲۱۰، ۳۰۰، ۲۷۳، ۲۵۸ و بند ۶ ماده ۲۸۷، از جنس مؤنث حمایت کیفری کم‌تری شده است و هیچ وجه تمایزی بین مرتکب خویشاوند و غیر خویشاوند وجود ندارد، جز تساهل و تسامح نابجای قانونگذار در مورد برخی از جرایم علیه زنان از سوی شوهر همچون ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی. در خصوص جرایم علیه کودکان نیز، علی‌رغم اینکه وضعیت بهتری در مقایسه با زنان وجود دارد؛ آنچنان تدابیر کیفری، مؤثر واقع نگردیده و حتی برخی از مواد قانون مجازات اسلامی همچون ماده ۲۲۰ و بند یک ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی جرم‌زا بوده و خود زمینه ساز بزه‌دیدگی کودکان در خانواده می‌گردند. این در حالی است که زنان و کودکان در خانواده چه بسا بیشتر از جامعه در معرض بزه‌دیدگی قرار داشته و خانواده عمده‌ترین منشاء بزه‌دیدگی آنان محسوب می‌شود و حتی مجازات مرتکب در این صورت می‌بایست تشدید گردد.

در کنار قانون مجازات اسلامی، مجموعه قوانین خاصی همچون قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰، قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب ۱۳۷۰ و... نیز وجود دارد که تعدد، تشتت و پراکندگی این متون قانونی، ابهامات بسیاری را در حوزه قوانین خانواده پدید آورده است. همچنین خلاء قانونی در برخی از حوزه‌ها که مداخله کیفری در آنها نقش به‌سزایی دارد، از دیگر مشکلات اساسی در حوزه خانواده است.

از همین رو ابهامات و چالش‌های موجود در خصوص جرایم علیه خانواده، نویسنده را به بررسی سیاست جنایی ایران در این حوزه و ارائه راهکارهای قانونی جهت حل معضلات پیش رو واداشت.



#### ۴. سؤالات تحقیق

۱) سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم خانوادگی تا چه میزان مناسب بوده و توانسته است به حفظ کیان خانواده کمک نماید؟

۲) چه راهکارهایی جهت برون رفت از اشکالات تقنینی و اجرایی در حوزه جرایم خانوادگی وجود دارد؟

#### ۵. فرضیات تحقیق

۱) سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم خانوادگی چندان مناسب نیست و اعمال اصلاحات در این خصوص ضروری است.

۲) در راستای حمایت شایسته از اعضای خانواده و همچنین تحکیم بنیان خانواده، قانونگذار ایران می‌باید برخی از مجازاتها را مورد تجدید نظر قرار داده و در برخی موارد اقدام به جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی نماید.

#### ۶. روش تحقیق

در تحقیق پیش رو، نویسنده با توجه به قوانین موجود در حوزه خانواده تلاش نموده است، تا سیاست جنایی تقنینی قانونگذار ایران در قبال جرایم علیه خانواده را در حد توانایی و بضاعت علمی بررسی و ارزیابی نماید. از همین رو در تحقیق حاضر، نویسنده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، از طریق روش توصیفی - تحلیلی در راستای ارائه مطالب خود استفاده نموده است.

#### ۷. پیشینه تحقیق و تنگناها

در خصوص موضوع پایان نامه حاضر، تا کنون هیچ کار منسجم علمی مشاهده نگردیده و مقررات کیفری حاکم بر نهاد خانواده و روابط اعضای خانواده و همچنین سیاست جنایی حاکم بر آن، آنچنان که باید و شاید از سوی اندیشمندان مورد تأمل، واقع نشده است؛ علت این امر را از یک سو می‌توان، حجم اندک مقررات کیفری حاکم بر خانواده در مقایسه با مقررات غیر کیفری حاکم بر آن دانست، و از دیگر سو، می‌توان قصور اندیشمندان و محققان ارزیابی نمود. البته لازم به ذکر است که در

خصوص جرایم علیه زنان و کودکان تحقیقات خوبی صورت پذیرفته اما جرایم مزبور در چهارچوب خانواده آنچنان که می بایست مورد توجه واقع نشده است.

از تنگناهای موجود در راستای نگارش پایان نامه پیش رو، علاوه بر فقدان پیشینه منسجم در خصوص موضوع و کمبود منابع، می توان به گستره دامنه بحث اشاره کرد، که از همین رو دامنه تحقیق حاضر به محدوده سیاست جنایی تقنینی و بررسی جرایم در حوزه خانواده هسته ای<sup>۱</sup> اختصاص یافته است.

### ۸. ساختار و ساماندهی تحقیق

تحقیق پیش رو در سه بخش تدوین یافته است که بخش اول راجع به معنانشناسی و درآمدی عمومی بر سیاست جنایی در حوزه خانواده و بخش دوم و سوم به ترتیب به جهت گیری سیاست جنایی ایران در خصوص جرایم علیه کیان خانواده و جرایم علیه اعضای خانواده، اختصاص یافته است. در بخش نخست تلاش شده است ضمن دو فصل تحت عناوین «معنانشناسی مفاهیم جرم، خانواده و سیاست جنایی» و «جایگاه خانواده در سیاست جنایی ایران» مباحث بنیادین و نظری پژوهش بیان گردد. در بخش دوم و سوم نیز نویسنده تلاش نموده ضمن بررسی جرایم و مجازاتها در حوزه خانواده، سیاست جنایی قانونگذار ایران را شناسایی، ترسیم و چالشهای موجود را شناسایی، ارزیابی و انتقاد نماید.

---

<sup>۱</sup> خانواده هسته ای در مقابل خانواده گسترده قرار دارد و اعضای خانواده هسته ای عبارتند از پدر، مادر و فرزندان در حالی که در خانواده گسترده علاوه بر ایشان پدر بزرگ و پدربزرگ هم حضور دارند.

## **بخش نخست:**

**معنا شناسی و در آمدی عمومی  
بر سیاست جنایی در حوزه خانواده**

این بخش چنانچه از معنا و مفهوم آن برمی آید، به بنیان های نظری موضوع پژوهش می پردازد و سعی دارد، در دو فصل تحت عناوین فصل نخست، «معناشناسی مفاهیم خانواده، جرم و سیاست جنایی» و فصل دوم، «جایگاه خانواده در سیاست جنایی ایران»، مبانی تئوریک موضوع را با تکیه بر علوم مختلف از جمله جرم شناسی و بزه‌دیده شناسی بررسی و تحلیل نماید.

بدیهی است زمانی پژوهش حاضر و پیشنهادات و راهکارهای آن می تواند مفید بوده و عملیاتی شود که بر مبنای بنیانهای علمی استوار بوده و نظریات محکمی آن را پشتیبانی نماید، تا در عرصه عمل در مواجهه با مسائل و موارد جدید با تکیه بر نظریات و مبانی تئوریک بتوان راه حل های مناسب و مفیدی ارائه نمود. از این رو در ابتدا به مباحث مطروحه در فصل اول که به تعریف خانواده، جرم، کارکرد نهاد خانواده و جرم و همچنین مفهوم سیاست جنایی اختصاص دارد می پردازیم و سپس در فصل دوم در راستای شناسایی جایگاه خانواده در سیاست جنایی ایران، مروری بر قانون اساسی و ارتباط خانواده با مجازات خواهیم داشت.

### **فصل نخست) معناشناسی مفاهیم خانواده، جرم و سیاست جنایی**

در این فصل، چنانچه از عنوان آن برمی خیزد، برآنیم تا به جهت شناسایی مفاهیم اساسی پایان نامه حاضر و به عنوان مدخل ورود به مباحث مفاهیم خانواده، جرم و سیاست جنایی را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار دهیم. از این رو در ابتدا به شناسایی مفهوم خانواده می پردازیم:

#### **مبحث نخست) تعریف خانواده**

##### **گفتار نخست) از منظر جامعه شناسی**

جامعه شناسان خانواده را واحدی اجتماعی توصیف کرده، سخن از اشتراک مکانی به میان می آورند و آن را عمومی ترین سازمان اجتماعی قلمداد می کنند. برخی ادعای تعریفی جامع داشته اند و با این عنوان خانواده را گروهی از آدم ها که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص با هم زندگی می کنند» توصیف نموده اند. ۱

---

<sup>۱</sup>کوتن، بروس، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه: حسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا، ۱۳۷۵، ص ۱۲۷